

باند سارقان خشن چگونه لو رفت

راز جنایت‌های یاقوت سرخ

رازگشایی از باند مخوف یاقوت سرخ که اعضای آن ا قتل در پرونده خود داشتند خاطره یکی از کارآگاهان پلیس آگاهی تهران است. متهمان این پرونده در جریان سرقت‌های خود به راحتی دست به اسلحه می‌شدند و قربانیان خود را از پای درمی‌آوردند.

با کشف جسد یک فروشنده مواد مخدر به نام خشایار در حوالی چهارراه سیروس، تحقیقات مادر پلیس آگاهی تهران آغاز شد؛ تحقیق درباره جسدی که هرگز تصور نمی‌کردیم ما را به باندی خشن برساند که جنایات زیادی را رقم زده بود. از آنجا که مقتول مدتی قبل به اتهام خرید و فروش مواد مخدر به زندان افتاده بود، خیلی زود هویت او شناسایی شد و احتمال دادیم علت قتل اختلاف بر سر مواد مخدر باشد. تحقیقات برای پیدا کردن قاتل خشایار ادامه داشت تا این که چند روز بعد تیراندازی راکبان یک موتورسیکلت به مردی جوان در محدوده میدان خراسان به ما گزارش شد. پس از این گزارش راهی بیمارستان شدیم و مجروح به ما گفت: در جایگاه سوخت ایستاده بودم بنزین بزنم که یک موتور با دو راکب وارد جایگاه شد. آنها می‌خواستند بی‌توبت بنزین بزنند و سر همین موضوع با هم مشاجره کردیم. راکب آن موتور که پسری قد بلند و لاغر اندام بود با لهجه خاصی که به نظرم مربوط به غرب کشور بود به دوستش گفت: «ولش کن، سریع‌تر بنزین بزن، بریم.» با این که توبت آنها نبود ولی اول آنها بنزین زدند و وقتی داشتیم از پمپ بنزین بیرون می‌آدمم به من شلیک کردند.

نظریه اسلحه‌شناسی

پوکه گلوله‌ای که به پسر جوان در پمپ بنزین شلیک شده بود، به بخش اسلحه‌شناسی ارسال کردیم و مشخص شد با گلوله‌ای که با آن، مرد جوان به قتل رسیده تطبیق دارد و هر دو از یک سلاح شلیک شده است. در بررسی پرونده خشایار ما به شخصی رسیدیم به نام هاشم. مشخصات هاشم با آنچه پسر جوان از راکبان موتورسوار در پمپ بنزین گفته بود، شباهت زیادی داشت.

حدود یک ماه از تحقیقات ما در خصوص این دو پرونده گذشته بود که قتل یک طلافروش در بازار تهران هنگام سرقت طلا گزارش شد. راهی محل شدیم. در تحقیقات مشخص شد سارقان که دو مرد جوان بودند، حدود هشت کیلو طلای داخل ویترین را سرقت کرده، صاحب



عکس تزیینی است

ما همکاری کرد و سعی داشت با هاشم قرار بگذارد اما هاشم خیلی با هوش و زیرک بود و خودش را به دام نمی‌انداخت.

از طرفی ما توانستیم یک فروشنده مواد مخدر را پیدا کنیم که با هاشم در ارتباط بود و به او مواد می‌فروخت. فروشنده مواد دستگیر و تحقیقات از او آغاز شد. او مدعی شد به ما در دستگیری هاشم کمک می‌کند.

دستگیری هاشم، مرد خشنی که همیشه دست به اسلحه بود کاری پر خطر محسوب می‌شد. در همان روزها بود که مرد موافد فروش تماس گرفت و مدعی شد هاشم داخل پارکی در محدوده میدان خراسان است و کیف سامسونی به دست دارد. بلافاصله راهی محل شدیم و هاشم را روی یکی از صندلی‌های پارک شناسایی کردیم. ما باید بدون هیچ جلب توجهی او را دستگیر می‌کردیم؛ چرا که اگر هاشم از حضور ما خبر می‌شد دست به اسلحه می‌شد. در نهایت موفق شدیم به او نزدیک شده و هاشم را بدون درگیری دستگیر کنیم، او به قدری غافلگیر شده بود که حتی فرصت نکرد دست به اسلحه ببرد.

اعتراف هولناک

ما متهم خطرناک را به اداره آگاهی منتقل کردیم و قبل از این که حرفی بزنیم، او به جنایات و کارهای خلافش اعتراف کرد و به سرقت مسلحانه از طلافروشی‌ها، بانک‌ها و قتل ۱۱ نفر اشاره کرد.

او در ارتباط با انگیزه‌اش از کارهایی که مرتکب شده بود. گفت: در دنیای من یا باید باربری کنی یا بالای دار بروی. من ترجیح دادم بالای دار بروم. من نمی‌توانم این وضع را تحمل کنم. من طلاهای سرقتی را می‌فروختم و آنچه به دست می‌آوردم هزینه خرید مواد مخدر و مسافرت‌هایم می‌شد.

فرجام باند جنایتکار

با دستگیری هاشم، جست‌وجو برای دستگیری سایر اعضای باند ادامه یافت و موفق شدیم آنها را بازداشت کنیم.

چند ماه بعد جلسه محاکمه هاشم و اعضای باندش برگزار شد. در دادگاه هاشم و افراد باندش به اتهام ۱۱ قتل، ۲۱ سرقت مسلحانه از طلافروشی‌ها و چندین سرقت مسلحانه از بانک‌ها و خانه‌ها و مغازه‌ها به اعدام محکوم شدند و این حکم اجرا شد.

طلافروشی را کشته و با موتورسیکلت هوندایشان از محل فرار کرده‌اند.

چیزی که در این میان برای ما عجیب به نظر می‌رسید این بود که مرد طلافروش هم با همان سلاحی کشته شده بود که خشایار به قتل رسیده بود. هنوز تحقیقات مان ادامه داشت که با پرونده سرقت مسلحانه دیگری از یکی از طلافروشی‌های پایتخت مواجه شدیم. در این سرقت نیز شاگرد مغازه طلافروشی به قتل رسیده بود. همزمان با تحقیقات ما سرقت‌های خشن دیگری رخ داد که نشان می‌داد ما با یک باند خشن مواجه بودیم؛ باندی که سوار بر موتورسیکلت هوندای سیاه رنگ، مسلح و بدون نقاب و دستکش وارد طلافروشی‌ها شده و نقشه سرقت‌شان را اجرا می‌کردند. مردان خشن در برابر کوچک‌ترین اعتراضی دست به سلاح شده و جنایتی را رقم می‌زدند. بررسی‌های ما نشان می‌داد سارقان پس از اجرای نقشه‌شان یا طلاها را در اطراف پایتخت به فروش می‌رسانند یا آنها را آب کرده و به صورت شمش درمی‌آوردند.

شناسایی متهمان

سرقت از طلافروشی‌ها ادامه داشت و ما در تحقیقات مان موفق به شناسایی هویت کامل هاشم و همدستانش شدیم. هاشم به اتهام حمل مواد مخدر و سرقت خودرو چندین بار بازداشت شده بود. در میان سرقت‌هایی که هاشم و همدستانش مرتکب شده بودند، از یک طلافروشی جواهراتی را سرقت کرده بودند. از آنجا که در میان جواهرات، یاقوتی درشت و سرخ رنگی وجود داشت، آنها به باند «یاقوت سرخ» معروف شدند.

ردی از

سردسته باند

پس از ماه‌ها جست‌وجو و تحقیق برای یافتن سرخ‌های اعضای باند یاقوت سرخ، موفق شدیم مردی را دستگیر کنیم که مدارک هاشم را جعل می‌کرد. گرچه مرد جوان با